



Vol. 11 | Issue. 39 | 2024 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.508140.1404>

The Authenticity of Peace in the Social and Political Conduct of Imam Ali (AS)

Ali Imani 

Associate Professor at the Command & General Staff College of the Islamic Republic of Iran Army, Tehran, Iran.

A.Imani@Casu.ac.ir & Setvat@gmail.com

Article Info

Article Type:

Research Article

Received:

2024 /03 / 15

Revised:

2024 /04 / 05

Accepted:

2024 /04 / 13

Published Online:

2024 /04 / 19

Abstract

This research article explains the authenticity of peace in the social and political conduct of Imam Ali (AS). The research method is historical explanation, and the theoretical framework is based on a structure-agent analysis. In other words, «the social actions and behavior of Imam Ali (AS) as a historical agent» and «the social structures of the era of his caliphate, such as tribalism, the culture of war booty, and slave capture» are explained. The main claim of the research is that the social-political conduct of Imam Ali (AS) in response to the tribal culture and the practice of booty-taking and slave-capturing in the social structure of Arabia and Iraq was peace-seeking and reconciliation-based. An important finding of the research is the development of the concept of authentic peace in the political and social conduct of Imam Ali (AS), noting that his five-year rule was spent in war. The researcher, by utilizing scholars, documents, historical books, and also the Nahj al-Balagha, explains the authenticity of peace in the short period of Imam Ali's caliphate, considering the anti-peace political-social situation of that era. The author examines this crucial topic in the context of the critical situation of the caliphate period when exploring the authenticity of peace in the political and social life of Imam Ali (AS). Another finding of the research sheds light on the economic roots of tribal conflicts in the most contentious period of the caliphate era.

Keywords: Tribe, Booty, Belief, Peace, Nahj al-Balagha, Conduct.




دوره ۱۱ | شماره ۳۹ | بهار ۱۴۰۳

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.508140.1404>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام علی^(ع)

علی ایمانی 

دانشیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

A.Imani@Casu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۲/۱۲/۲۵	
تاریخ بازنگری:	
۱۴۰۳/۰۱/۱۷	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۱/۲۵	
انتشار آنلاین:	
۱۴۰۳/۰۱/۳۱	
صفحات:	
۱-۳۰	

این مقاله پژوهشی به تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام علی^(ع) می‌پردازد. روش پژوهش تبیین تاریخی و چهارچوب نظری پژوهش مبتنی بر تحلیل ساختار-کارگزار است، یعنی «کنش و رفتار اجتماعی حضرت علی^(ع)» به‌عنوان کارگزار تاریخی و «ساختارهای شکل یافته اجتماعی عصر خلافت حضرت مانند تعصب قبیله‌ای و فرهنگ غنیمت و برده‌گیری» تبیین می‌شود. مدعای اصلی پژوهش این است که سیره سیاسی اجتماعی حضرت در مواجهه با فرهنگ قبیله‌ای و منش غنیمت‌گیری و برده‌گیری ساختار اجتماعی عربستان و عراق، صلح‌طلب و مدارامحور بوده است. یافته مهم پژوهش پردازش مفهوم صلح اصیل در سیره سیاسی اجتماعی امام است که دوران پنج‌ساله حکومت وی به جنگ گذشت. محقق با بهره‌گیری از استاد، مدارک و کتب تاریخی و همچنین کتاب نهج‌البلاغه به تبیین اصالت صلح در فاصله کوتاه عصر امامت امام در مواجهه با وضعیت سیاسی اجتماعی صلح‌ستیز آن عصر می‌پردازد. نویسنده در تبیین اصالت صلح در حیات سیاسی و اجتماعی امام این مقوله مهم را در وضعیت بحرانی عصر خلافت واکاوی می‌کند. یافته دیگر پژوهش نورافشانی بر ریشه‌های اقتصادی ستیزه‌های قبیله‌ای در پرمنازعه‌ترین دوره در عصر خلفاست.

کلیدواژه‌ها: قبیله، غنیمت، عقیده، صلح، نهج‌البلاغه، سیره.

مقدمه

واکاوی و تبیین یک کنش سیاسی و اجتماعی به نام صلح در سیره عملی امام علی^(ع) به ویژه در دوره خلافت مسئله اصلی این پژوهش است. صلح، مسئله اصلی و اکسیر کمیاب خاورمیانه طی پنجاه سال گذشته بوده است. از سوی دیگر، موضع گیری نسبت به سیره امام علی^(ع) در طول تاریخ از سب و لعن ۹۰ ساله امویان در مسجد و منبر تا پرستش خداگونه^۱ او به وسیله یارسانان نواحی غرب ایران، بیانگر تکرر تاریخی دیدگاه‌ها در مورد سیره اوست. این پژوهش، مجدانه تلاش دارد در سلک میانه‌روانه^۲ به تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام پردازد که مسئله امروز بشریت است. در وضعیت فرهنگی- اجتماعی قرن بیست و یکم که از سوی، قیچی دولبه سلفی‌گری جهادی و تبلیغات پرنطنه رسانه‌ای در پی ارائه چهره صلح ستیز از شیعه است و از سوی دیگر، نظریه ساموئل هانتینگتون مرزهای خونین تمدن اسلام و مسیحیت را ترسیم می‌نماید، تبیین چهره صلح جوی امام اول شیعیان ضرورت دارد. این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که به واکاوی اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امامی حاکم می‌پردازد که عمر پنج‌ساله خلافت او در بستر اجتماعی صلح ستیز عراق و عربستان تقریباً همه به جهاد گذشت.

مسئله اصلی پژوهش تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی اجتماعی امام است. نقطه تمرکز پژوهش بر دوران پنج‌ساله خلافت اوست و محقق اصالت صلح علوی را با رویکرد تبیینی معنا کاوی خواهد کرد. این پژوهش موضوع محور است؛ بنابراین از روش تحقیق تاریخی استفاده می‌شود. نوآوری پژوهش درک اجتماعی از یک ضرورت امروزی به نام صلح و استخراج مبانی حقانیت آن از دل تاریخ و از سیره امام اول و برجسته شیعیان و تلاش برای ایجاد مبانی مشروعیت کنش صلح در رفتار سیاسی الیت حاکم بر جوامع بشری است.

۱. تحلیل‌های جامعه‌شناختی ناظر بر واکنشی بودن پرستش خداگونه امام به وسیله دوستداران وی در مواجهه با ستیزه‌گری دشمنان بوده است.

۲. به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود و دشمنی که در کینه‌ورزی با من زیاده‌روی کرده و به راه باطل درآید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه‌رو هستند. از آن‌ها جدا نشوید، همواره با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۷۰)

۱. پیشینه پژوهش

چگونگی مواجهه با موقعیت صلح‌ستیز در سیره سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) موضوع اصلی این پژوهش است؛ بنابراین ضمن ارائه پیشینه پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی موضوع این مقاله عملی با پیشینه تحلیل خواهد شد.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌ها
۱	اسلام اصالت جنگ یا اصالت صلح؟	محمدعلی برزنونی	در این مقاله، دو دیدگاه مهم در زمینه روابط سیاسی حقوقی حکومت‌های اسلامی با پیروان سایر ادیان و مشرکان بررسی و تحلیل شده است. دیدگاه اول به اصالت جنگ و دیدگاه دوم به اصالت صلح معتقد است. قول قوی و رأی صائب، دیدگاه اصالت صلح است. بر اساس این دیدگاه، اصل اولیه و حالت اصلی در روابط بین حکومت‌های اسلامی و سایرین صلح است. صلح، قاعده همیشگی و جاوید بوده و جنگ عارض بر آن است. روح اسلام و اصولاً مهمه ادیان الهی، با جنگ و خونریزی بی‌اساس مخالف است و اگر فرمان به آمادگی داده است، هدف آن دفاع از موجودیت و کیان دین است.

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌ها
۲	نظریه اصالت جنگ یا صلح از دیدگاه اباضیه	ابراهیم قاسمی	<p>اباضیه به سبب انتساب به خوارج به جنگ افروزی و خشونت متهم بوده و از این رو کوشیده است تا این اتهام را از خود دور کند. در بین علمای اباضی دو نظریه در خصوص اساس رابطه با غیرمسلمانان وجود دارد: نخست اساس رابطه را در ابتدای جنگ می‌داند و دیگری اساس رابطه را بر صلح و دوستی پایه‌ریزی نموده و جنگ را فقط برای دفاع جاز می‌داند. اباضیه در ابتدا دیدگاه نخست را قبول داشتند؛ ولی با بازسازی و تجدید بنای خود، به نظریه دوم گرایش پیدا کردند. دیدگاه دوم مورد قبول اباضیان معاصر است و می‌گویند که اساس دین صلح است. اباضیه متقدم نسبت به مسلمانان مخالف خود به‌ویژه شیعیان نگاه تند، افراطی و انحصارگرایانه داشته‌اند؛ ولی مهم این است که علمای معاصر اباضیه از این نگاه صرف‌نظر کرده‌اند و مسلمانان غیراباضی را مسلمان می‌دانند، به خون و اموال آنان احترام می‌گذارند و سرزمین آن‌ها را سرزمین توحید می‌دانند.</p>

این پژوهش ضمن تأکید بر تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی- اجتماعی امام به پدیده صلح در سیره ایشان نگاه تبیینی- تاریخی دارد؛ بنابراین با جدول پژوهشی بالا متفاوت است. در واقع این مقاله بستر اجتماعی- فرهنگی را مورد واکاوی بیشتر قرار می‌دهد.

۲. روش‌شناسی

روش پژوهش این مقاله تبیینی-تاریخی و گردآوری اسناد مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. ابزار گردآوری اطلاعات اسناد، کتب معتبر و دست‌اول تاریخی است. یک پدیده تاریخی از نظر ماهیتی این ویژگی‌ها را دارد: «الف) حوادث تاریخی زنده نیستند، بلکه مربوط به گذشته دور یا نزدیک‌اند؛ ب) گذشته تاریخی هرگز عیناً تکرار شدنی نیست، از اینجاست که مورخ، خواه‌ناخواه با معیارهای جامعه زمان خود با گذشته مواجه می‌شود؛ پس باید ضریب انحراف خاصی را در ارزیابی خود بپذیرد؛ ج) حوادث تاریخی هرگز تماماً در استناد و مدارک جای نمی‌گیرند و مورخ ناچار است از روش‌های استنتاجی جهت تکمیل خلأ استفاده کند که طبیعتاً عنصری تازه بر واقعیت تاریخی می‌افزاید؛ د) هیچ واقعه تاریخی به‌طور مجزا و در تجرید با وضعیت اجتماعی عصر خویش نیست و این قاعده کلی پدیده‌های اجتماعی در همه زمان‌هاست». در پایان باید گفت که پدیده‌های تاریخی به گذشته تعلق دارند و حیات مجدد نمی‌یابند، گرد روزگار یافته‌اند و در ابهام جای دارند (ساروخانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۷). نویسنده تلاش دارد این ویژگی‌های پژوهش تاریخی را در تحلیل مدنظر قرار دهد. همچنین هنجارها و ارزش‌های مسلط بر تبیین تحولات تاریخی متأثر از چهار قالب تحلیلی به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۲: مبانی ادراکی تحلیل تحولات تاریخی در ایران (محقق ساخته)

روش پژوهش تاریخی	میدان تأثیرگذاری قالب تحلیلی
گفتمان تحلیل خیر/شر ریشه در ثنویت‌گرایی مانوی دارد. بر اساس این روش، محقق روند تحولات تاریخی را در دو بافتار متضاد خیر/شر یا نور/ظلمت تحلیل می‌کند.	گفتمان تحلیل خیر/شر
بر اساس این گفتمان، محقق تاریخ و وجهی اسطوره‌ای به فکت یا شخصیت تاریخی می‌دهد. شاهنامه فردوسی صحنه زیبای خلق اسطوره‌های تاریخی است	گفتمان تحلیل اسطوره‌ای

روش پژوهش تاریخی	میدان تأثیرگذاری قالب تحلیلی
<p>این رویکرد بر محور ترجیحات شخص کارگزار و کنشگر واقعه تاریخی قرار دارد. این روش نظری بر محوریت کارگزاران تغییر در تاریخ تأکید دارد (لین کارل، ۱۳۹۸، ص. ۹۵)؛ به این ترتیب، همه تحولات تاریخی در جهان اسلام حول شخصیت‌های محوری در هر دوره شکل گرفته است؛ از این رو، تغییر حول شخصیت‌هایی چون حضرت و فرزندان ایشان و شخصیت‌های خاندان بنی امیه و بنی عباس شکل گرفته است.</p>	<p>گفتمان تحلیل کارگزار محور</p>
<p>ساختارگرایی مارکسیسم یا کارکردگرایی پارسونزی فرض می‌گیرد که تصمیمات عمدتاً مستقل از انتخاب‌های کنشگران تعیین می‌شود (لین کارل، ۱۳۹۸، ص. ۳۲). ساختارگرایان بر اهمیت محدودیت‌های تاریخی در تعیین انتخاب کنشگران پافشاری می‌کنند. رویکرد ساختاری به علت کم ارج نهادن به عاملیت انسانی به شدت مورد انتقاد است (فولر، ۱۳۷۷، ص. ۱۱). بر اساس این دیدگاه، تحولات تاریخی با ساختارهای دیرپای اجتماعی- فرهنگی مرتبط است؛ یعنی سه جنگ جمل، صفین و نهروان در یک دوره تاریخی با ساختار فرهنگی- اجتماعی عربستان و عراق تاریخی مرتبط است که توان زایش دیالوگ ندارد و منجر به جنگ شده و این مربوط به ساختارهای دیرپای فرهنگی است.</p>	<p>گفتمان تحلیل ساختار محور</p>

این پژوهش بر مطلوبیت گفتمان ساختار-کارگزار در تبیین اصالت صلح در سیره سیاسی- اجتماعی امام تأکید دارد؛ بنابراین برای تبیین اصالت صلح در وضعیت بحرانی و «جنگ پیوسته» دوره خلافت امام، ویژگی‌های شخصیتی و فردی حضرت در مواجهه با وضعیت فرهنگی اجتماعی و ساختارهای دیرپای فرهنگی شکل یافته مانند تعصب قبیله‌ای و فرهنگ غنیمت‌گیری و برده‌گیری، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳. ادبیات تحقیق

ادبیات تحقیق در این پژوهش ناظر بر معناکاوی پدیده صلح در سیره سیاسی - اجتماعی امام است؛ بنابراین نقطه عزیمت بحث را وضعیت فرهنگی اجتماعی عربستان قرار می‌دهد که امیرالمؤمنین در آن شرایط به رشد و بالندگی در دامن نبوت دست یافت.

۱-۳. حضرت علی (ع) و وضعیت فرهنگی - اجتماعی صلح‌ستیز

ولادت امام علی (ع) در وضعیت ناامن اجتماعی مکه اتفاق افتاد. او در روز جمعه، سیزدهم ماه رجب، سی سال پس از عام‌الفیل، در شهر مکه و در کعبه به دنیا آمد. آشفتگی و گسیختگی جامعه ماقبل دولت عربستان آن روز در کلام مولا علی با دقت به تصویر کشیده شده است. ایشان در توصیف جامعه بحران‌زده عربستان می‌فرماید: محمد (ص) در حالی به پیامبری مبعوث گردید که مردم گرفتار فتنه بودند. رشته دین از هم گسیخته و ستون‌های یقین از جا کنده شده بود. اصل ایمان دگرگون گردیده و کارها در هم آشفته و راه برون‌رفت از آن فتنه‌ها تنگ شده بود و طریق نجات ناپیدا بود. راهنمایی و هدایت بی‌نام‌ونشان و گمراهی جهانگیر شده بود. به خدای بخشایشگر، [مردم آن روز] نافرمانی ورزیدند و شیطان را یاری کردند و ایمان را خوار گردانیدند، پس پایه‌های آن [جامعه] فروریخت و نشانه‌های آن ناشناخته ماند و راه‌های آن ویران شد و جاده‌های آن کور؛ در بهترین خانه [کعبه] با بدترین انسان‌ها [بت‌پرستان] همسایه شدند. خوابشان بی‌خوابی بود و سرمه چشمشان اشک. در سرزمینی که در آنجا دانشمند را دهان بسته بودند و نادان را گرامی می‌نمودند (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه دوم).

بحران‌های فزاینده اخلاقی و اجتماعی گریبان‌گیر مردم عربستان آن روز بود. از نمودهای عینی آن جامعه بحران‌زده می‌توان ناامنی فردی و اجتماعی، برده‌داری، خشونت علیه زنان، کودکان و قتل نوزادان، مناقشات دامنه‌دار قبیله‌ای، بی‌نظمی اجتماعی، بت‌پرستی، راهزنی و غارت و فحشا را مثال زد. فرزندکشی، جزم‌اندیشی و سنت‌های گمراه‌کننده تاریخی از نشانه‌های آشکار جامعه‌ای است که قرآن از آن به نام جاهلیت و ظلم عظیم (لقمان: ۱۳) و امام از آن به عنوان «گمراهی جهانگیر» و روزگار پرفتنه یاد کرده که مردم، سرگشته، نادان و سرگردان بودند. کانون خانواده متلاشی و هوسرانی آزادانه به صورت زنای فردی

و دسته‌جمعی مباح بود، به طوری که یکی از موارد کاربرد علم انساب، جهت تعیین پدر نوزادی بود که در اثر جماع دسته‌جمعی حدوداً ده نفر با یک زن متولد شده بود.

جامعه آن روز عربستان در شرایط ناامنی به سر می‌برد. ساختار اقتصادی جامعه عربستان نیز مبتنی بر غارت و اسیرگیری و اصلی‌ترین هدف از جنگ‌ها منافع اقتصادی بود. در جنگ‌ها فاتح، می‌توانست مردان را به قتل برساند (یا مردان اشراف می‌توانستند در قبال وصول فدیة رها شوند) و زنان و کودکان را به اسیری بگیرند. زنان اسیر به‌عنوان بخشی از غنائم جنگی به‌وسیله فاتح به فروش می‌رسیدند یا به‌عنوان برده برای ارضای جنسی، کار خانگی و تولیدمثل استفاده می‌شدند (طبری، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۴۸).

در این وضعیت سیاسی - اجتماعی آشفته، سیر تحول زندگی امام از قبول اسلام در ده‌سالگی تا نایل به مقام خلافت در سال ۳۵ هجری قمری طی شد. اقتصاد سیاسی مکه مبتنی بر درآمد حاصل از پرستش‌ت‌ها بود و مقاومت در مقابل آیین اسلام در قالب جنگ، ستیز و پاسداشت سنت‌های پیشینیان ادامه داشت. هجرت پیامبر (ص) به شهر مدینه که اقتصاد سیاسی کشاورزی و دامپروری داشت و جامعه‌ای متکثر و متساهل‌تر بود، مسیر گروش به اسلام را تسهیل کرد؛ اما سنت‌های دیرپای اجتماعی مخصوصاً در مکه به‌سختی در مقابل تغییر مقاومت می‌کردند. پیامبر (ص) سنت بت‌پرستی را نابود کرد؛ اما ادراک ذهنی غارت‌محور و خون‌ریز اعراب بادیه با سرسختی در مقابل تغییر مقاومت می‌کرد. وقوع جنگ‌های رده پس از رحلت ایشان و تداوم جنگ‌ها با منطقی «قبیله/غنیمت/عقیده/برده‌گیری» در دوران خلفا، ناظر بر تداوم وضعیت ناامن عربستان و عراق است. سه خلیفه بعد از ابوبکر ترور شدند و در این وضعیت فرهنگی - اجتماعی تبیین منش صلح‌جوی امام علی (ع) تحقیقاً امری دشوار است و این پژوهش به واکاوی این سیره مداراجو و صلح‌طلب می‌پردازد.

۲-۳. امام علی (ع) در مواجهه با چهارگانه ساختاری «قبیله/غنیمت/عقیده/برده‌گیری»

قبیله، اعتقاد گروهی از افراد به جد مشترک است؛ به گونه‌ای که مرز خودی/غیرخودی با سایر قبایل مبتنی بر تعارض و رقابت ایجاد کند. در چهارچوب اجتماعی قبیله، «غنیمت و دفاع از غنایم» شکل می‌گرفت و غنیمت، جهت‌گیری کنش اجتماعی قبیله را تعیین می‌کرد. ابن‌خلدون هنگام بررسی طبایع عمران از پیوند «خویشاوندی» به نام عصیبت یاد می‌کند و

شامل همه خویشی‌های دارای بار عصبیت است؛ مانند تعلق به شهر، گروه، مذهب یا حزب. به‌ویژه اینکه این عصبیت در میدان حکومت و سیاست تقسیم‌کننده خودی/غیرخودی باشد (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۷۱).

عصبیت، عنصر اصلی تشکیل‌دهنده ناخودآگاه سیاسی جامعه عصر حضرت بود. اقتصاد این دوران نیز نه تولیدمحور، بلکه خراج‌محور و غنیمت‌محور بود. مالیات از مسلمان و غیرمسلمان دریافت می‌شد. «غنیمت»، «فیء»، «جزیه» و «خراج» از واژگان اقتصادی این دوران است. این شیوه اقتصاد رانتی مولد عقلانیت رانتیر و در تضاد اساسی با عقلانیت مولد است. در کنار فرهنگ ساختاری «قبیله/غنیمت/عقیده»، برده‌داری جنسی ضلع چهارم کلیدهای تحلیل تحولات اجتماعی این عصر است. این ابعاد چهارگانه منطقی داشت که گروه را به حرکت و کنش وادار می‌کرد. به این ترتیب، منطق گروه نه بر اساس معیار معرفت‌شناختی، بلکه بر اساس نمادهایی ذهنی که در ابعاد چهارگانه پیش‌گفته مستتر بود شکل می‌گرفت. «عقیده» وقتی که در کنار سه عنصر «قبیله، غنیمت و برده‌گیری» قرار می‌گرفت تحرک و انگیزه ایجاد می‌کرد؛ زیرا ما جز در راه آن چیزی که شناختی یقینی از آن داریم، مرگ را پذیرا نیستیم (رنان و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۲۹). تاریخ عصر خلافت امام این‌گونه رمزگشایی می‌شود. این چهار بعد، مشخصه‌های عقل‌تنیده در این تاریخ است. چه دوران جاهلیت، چه عصر رسالت و چه دولت فتوحات؛ عقل سیاسی حاکم، مبتنی بر چهار عنصر قبیله، غنیمت، عقیده و برده‌گیری بوده است. «قبیله» بعدها عنصر تعیین‌کننده در آغاز جنگ صفین و بعدها مبنای شکل‌گیری دو دوره خلافت اموی و عباسی شد. «غنیمت» نماد منفعت فردی و منفعت گروهی و عامل تعیین‌کننده در آغاز جنگ جمل بود. «عقیده» در آغاز جنگ نهروان نیز عاملی تعیین‌کننده بود. «برده‌گیری» نماد مالکیت انسان بر انسان با میل به اعمال سلطه جنسی مرد بر زن در همه جنگ‌ها رایج بود. این چهار بُعد ساختار نمادینی هستند که جایگاه آن نه تنها در عقل و شناخت و ناخودآگاه بادیه‌نشینان، بلکه در مخیله اجتماعی آنان بود.

پردازش جایگاه برده‌گیری در این دوره اهمیت دارد؛ زیرا در شکل‌گیری مخیله سیاسی جامعه عصر خلافت امام مؤثر بوده است. چنانکه طبری از قول ابواسحاق نقل می‌کند: «وقتی در [حضر موت] گشوده شد، مسلمانان به درون حمله بردند و هرچه مرد جنگی آنجا بود کشتند، همه را دست‌بسته گردن زدند. در زنجیر و خندق یک هزار زن به شمار آمد و بر

غنیمت و اسیران، نگهبان گماشتند» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۱۴۷۴)؛ و باز در جای دیگر نقل می‌کند که سعد در قادسیه بماند و سپس مسلمانان برای تحصیل آذوقه شبانه بیرون رفتند که در اطراف عذیب، نزدیک حیره، به موکب عروسی (خواهر آزادمرد بن آزادبه مرزبان حیره) که در شب عروسی به نزد فرمانروای حصین برده می‌شد، برخورد کردند و به آن‌ها حمله و باروبنه را با عروس و با عده‌ای از زنان و مردان آزاد اسیر کردند، مال و جهیزیه فراوان نیز به غنیمت گرفتند. سپس غنایم به عذیب نزد سعد فرستادند. او آن‌ها را بین مسلمانان تقسیم کرد و خمس آن را برگرفت. گروهی را نیز در آنجا گماشت که حافظ زنان باشند؛ کسانشان را نیز به آن‌ها پیوست (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۱۶۴۷).

بلاذری نیز نقل می‌کند: «ابوموسی به شوش رفت و با اهل آن جنگ کرد. مرزبان آنجا از او خواست که هشتاد تن را امان دهد تا دروازه را بگشاید و شهر را تسلیم کند و خود را در شمار آن هشتاد تن نیاورد. ابوموسی پذیرفت و فرمود سر او را از بدنش جدا کنند و هشتاد مرد را امان داد و دیگر جنگجویان را بکشت و مال بسیار گرفت و زنان و کودکان را به اسارت برد» (بلاذری، ۱۴۱۷، ص. ۱۳۴). همچنین گزارش شده است که قتیبه بن مسلم باهلی، سردار معروف حجاج، در یکی از جنگ‌ها در خراسان یا ماوراءالنهر به سبب سوگندی که خورده بود بسیاری از ایرانی‌ها را کشت و زنان و دخترانشان را در حضورشان بین لشکر عرب تقسیم کرد (راوندی، ۱۳۹۶، ص. ۵۵).

در جای دیگر ملاحظه می‌شود که چون سپاهیان عرب بر فارس دست یافتند و اسیرانی به دست آوردند - دختران یزدگرد نیز جزو این اسرا بودند - ایشان را به مدینه خدمت عمر بن الخطاب فرستادند. عمر دستور داد که با آنان مانند دیگر اسرا رفتار کنند و آن‌ها را به بازارهای برده‌فروشی ببرند و به خریداران بفروشند؛ ولی حضرت علی (ع) مانع این کار شد (ر.ک. به: ایمان پور و فرخی، ۱۳۸۹).

۳-۳. جنگ در سیره سیاسی امام علی (ع)

در سیره عملی حضرت جنگ به مثابه دفاع از نفس و حریم و تسلیم نشدن در برابر مهاجم است. ایشان با اشاره به یارانش می‌گوید: «به راستی اگر این قوم به ظلم بر شما آغاز نموده و بر شما طغیان کرده و در عداوت و دشمنی شما پیش‌دستی کرده است، به استقبال

مرگ بروید؛ زیرا مرگ در زندگی توأم با شکست و ذلت شماسست و زندگی در مرگ پیروزمندانه‌تان» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، صص. ۴۴۲-۴۴۱). در روایتی دیگر، امام یارانش را به اندیشه و اقدام برای مصالحه تشویق می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد به‌جای بدگویی از دشمن چنین دعا نموده و بگویند: «خدایا خون آنان و ما را حفظ فرما، و بین آنان و ما صلح برقرار فرما، و آنان را از خطا و ناآگاهی درباره ما که منتهی به دشمنی با ما شده است بیرون آر و به شناخت درست هدایتشان کن...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص. ۳۹۹). حضرت در جنگ از سیره عملی برخوردار بود، یعنی سیره عملی او مجموعه ارزش‌هایی را ایجاد کرد که در شرایط جنگی رعایت شده یا لازم است که رعایت شود. ارزش‌های جنگ در سیره عملی حضرت بسیار است که در اینجا فقط به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳-۳. منح دشنام به دشمن

قرآن کریم توصیه می‌کند که «به سخن معروف (شایسته) سخن بگویند» (بقره: ۱۸۰). امام وقتی باخبر شد که برخی از یاران او دشمنان را در میدان جنگ دشنام می‌دهند، بلافاصله دستور داد که از این کار جلوگیری شود. یاران به امام گفتند مگر ما به حق نیستیم؟ امام فرمود: به حق بودن دلیل بر جواز دشنام نمی‌شود؛ من دوست ندارم که شما زبان به لعن و توهین بکشاید. فقط می‌توانید یادآور اعمالشان باشید و اگر به‌جای دشنام در بازگشتشان به مصالحه ... دعا کنید، برای من و شما خوشایندتر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص. ۳۹۹).

امام که تربیت‌یافته دامن رسالت است؛ این‌گونه از پیامبر خاتم آموخته است که «اهل شرک را سب نکنید» (بحرانی، ۱۳۶۱، ص. ۱۵۵). در حدیثی از پیامبر^(ص) نیز نقل شده است که حتی شتر را نیز دشنام ندهید؛ زیرا شتر در هنگام نیاز به دبه، خون‌بهای انسان و مهریه بانوی کریمه‌ای است (نوری، ۱۳۶۶، ص. ۲۶۲). همچنین در وصیتی جامع از پیامبر اسلام نقل شده است که «بر مردمان خشم مگیر، رضایت دیگران را جستجو کن، آن‌گونه که دنبال رضایت نفس خویش هستی. مردمان را دشنام نده تا عداوت آنان را موجب نشوی. مردم را دوست داشته باش تا دوستدار تو باشند. با برادرت گشاده‌رو باش و او را آزار نرسان تا از آزار تو در دنیا و آخرت مانع گردد...» (بحرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۸، ص. ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص. ۱۴۵).

سیره عملی حضرت در رویکرد اجتماعی امامان بعدی ساری و جاری بوده است، چنان‌که

امام سجاده^(ع) در دعایی از صحیفه سجادیه می گوید: «سپاس خدای را که به من توفیق داد... تا بر زبان من کوچک ترین لفظ فحاشی یا سخن ناروا یا شکستن حرمت دیگران یا شهادت باطل یا غیبت مؤمن غایب و یا دشنام حاضر و امثال آن نباشد» (امام زین العابدین، ۱۳۸۹، ص. ۵). همچنین در روایتی از امام صادق^(ع) آمده است که خویشتن داری و پرهیز از دشنام و افترای مخالفان، زیباتر است (امام زین العابدین، ۱۳۸۹، ص. ۵). از امام باقر^(ع) نقل شده است که فلسفه منع از دشنام، پرهیز از مفسده بزرگ دشمن تراشی است. فلذا می گوید دشنام ندهید تا دشمنی عایدتان نشود: «لا تسبوا فتکسبوا العداوة لهم» (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۹۳).

۲-۳-۳. تحریم ترور

اندیشمندان شیعه، تحریم مطلق ترور را از روایت امام صادق^(ع) استفاده می کنند که ایشان نیز از پیامبر اکرم نقل کرده است. روایت، ناظر به داستانی خاص درباره حکم کسی است که امیرالمؤمنین^(ع) را سب کرده بود. طبق اندیشه شیعه، سب ائمه اطهار^(ع) همانند سب نبی است؛ اما امام صادق^(ع) از ترور سب کننده منع کرد. فقیهان مسلمان با استناد به این رویداد، از آن رو که عبارات روایت مطلق هستند، مطلق ترور را تحریم کرده اند. در حدیثی معتبر نقل شده است که ابوصباح کفانی به امام صادق^(ع) گفت: همسایه ای داریم که نسبت به امیرالمؤمنین علی^(ع) بدگویی می کند. به خدا قسم، اگر اجازه دهید در کمین او می نشینم و هنگامی که به دام افتاد، با شمشیر او را می کشم. حضرت فرمودند: «ای ابوصباح، این کار ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند. ای ابا صباح، اسلام مانع ترور است» (فیرحی، ۱۳۸۳، صص. ۱۳۶-۱۰۹).

در قرآن کریم تأکید شده است: «اگر کسی به شما ستم و تعدی کرد، مقابله به مثل نموده و همانند خودشان پاسخ دهید» (نحل: ۱۲۶). همچنین «اگر کسی به شما تعدی کرد، به همان مقدار که مجازات شده اید کیفر کنید (شوری: ۴۰)؛ زیرا که پاسخ بدی، بدی است و چنانکه از امام علی^(ع) نقل شده است «سنگ پرتاب شده را به همان گونه / همان جایی که آمده است برگردانید؛ زیرا شرارت را جز شرارت دفع نتواند کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص. ۲۱۲). حضرت همچنین بستن آب بر روی دشمن، محاصره و منع دشمن از آب های آشامیدنی را ناشایست شمرده است. همچنین منع تعرض به غیرنظامیان نیز سیره عملی اوست. در بین غیرنظامیان نیز، بخصوص رعایت حال و احترام زنان، کودکان و پیران و دانشمندان بیشتر توصیه شده است.

ابن براج طرابلسی تأکید می‌کند که اگر نظامیان مهاجم در التهاب جنگ، کودکان را سپر خود کنند؛ تیر انداختن به سمت دشمن، آن‌هم نه به قصد کودکان، بلکه به قصد نظامیان جایز است و هرگاه که التهاب جنگ فروکش نموده باشد (ابن براج، ۱۳۵۲، ص. ۵۹).

پیامبر اسلام در اعزام نیروهای مسلح برای جنگ موته - در سال هشتم هجرت - توصیه‌های مهمی به سپاه اسلام داشت که یکی از آن‌ها عدم تعرض به دانشمندان و نمایندگان مذاهب بود که موضع بی‌طرفی در جنگ داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص. ۹۳). حفظ و صیانت از محیط‌زیست و میراث تمدن بشری از جمله مصادیق اخلاق نظامی تلقی شده است. در روایتی از امام علی^(ع) توصیه شده است که «نظامیان نباید به آب‌های خصوصی مالکان خصوصی دست‌اندازی کنند و بی‌اجازه و رضایت آنان از آب‌هایشان بنوشند ... و نباید اموال و چارپایان کسی را غصب کنند همه این احکام در صورتی است که مهاجم در وضعیت انصراف از قصد تهاجم و فرار نبوده و همچنان رودررو بر تهاجمش اصرار داشته باشد. در غیر این صورت هرگونه صدمه‌ای بر او ضمان قصاص و دیه خواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، صص. ۱۶ و ۲۵). به هر حال، در این گونه از جنگ و دفاع، تمسک به سلاح‌های با قدرت آسیب‌رسانی بیشتر جز در صورت نیاز جایز نیست و استفاده کنندگان از این گونه سلاح‌ها، با فرض امکان دفع مهاجم با سلاح سبک‌تر، البته ضامن بوده و مؤاخذه خواهند شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص. ۵۷۲).

۳-۳-۳. پرهیز از خون‌ریزی ناحق

حضرت می‌فرماید: «از خون‌ریزی پرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده داوری خواهد کرد. پس با ریختن خونی حرام حکومت خود را تقویت مکن؛ زیرا خون ناحق پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن‌را برکنده به دیگری منتقل می‌سازد» (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۳).

به این ترتیب، امام نسبت به ریختن خون به ناحق، اعراض مطلق دارد. چنانچه حداکثر

قصاص ابن ملجم مرادی را فقط یک ضربه شمشیر در نظر گرفت و رو به فرزند خویش امام حسن (ع) فرمود: «پسرم، با اسیر خود مدارا کن و شفقت و مهربانی پیش گیر... ما از اهل بیت رحمت و مغفرتیم. از آنچه خود می خوری به او بخوران و از آنچه می آشامی به او بنوشان. اگر من از دنیا رفتم، با یک ضربه او را قصاص کن و اگر زنده ماندم، خود می دانم که با او چه کنم و من به عفو سزاوارترم (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۶۱).

۴-۳-۳. کردار اخلاقی در وضعیت بحرانی

عمل به حکم وجدان در بحرانی ترین وضعیت رویارویی، کردار اخلاقی در سیره حضرت است. کظم غیظ امام اول شیعیان هنگامی که بر سینه عمرین عبود نشست، روایتی است که در مثنوی معنوی مولانا به زیبایی تصویر شده است:

در غزا بر پهلوانی دست یافت	زود شمشیری برآورد و شتافت
او خدو انداخت در روی علی	افتخار هر نبی و هر ولی
آن خدو زد بر رخسار که روی ماه	سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی	کرد او اندر غزایش کاهلی

(مثنوی معنوی، دفتر اول، ص. ۲۱۵)

حضرت در پاسخ این پرسش که چرا بر زندگانی دشمن خود بخشش آوردی، فرمود: چون بر روی من خدو انداخت، از او در خشم شدم و ترسیدم که اگر او را بکشم، خشم من نیز در کشتن او تا حدی دخیل باشد؛ اما نمی خواستم که او را جز بهر حق بکشم. حضرت همچنین در جنگ صفین که بر عمروعاص دست یافت و او برای حفظ جان خود کشف عورت نمود، از قتل عمروعاص فارغ شد؛ وقتی با امام مواجه شد، حضرت به او مهلت نداد و با فشار نیزه او را نقش زمین کرد. عمرو که از جوانمردی امام آگاه بود، فوراً با کشف عورت، حضرت را از تعقیب خود منصرف کرد و امام چشم خود را فرو بست و از روی برگردانید. چون حیا و عفت حضرت اجازه نمی داد به عورت دیگران نگاه کند که این امر، گویای اهتمام حضرت به امور ارزشی و اخلاقی است. عبدالفتاح عبدالمقصود که یک نویسنده سنی مذهب است، در زمینه انصراف امام از کشتن عمروعاص می نویسد: «امام حاضر نشد دست های خود را به خون پیاده بی سلاح افتاده ای بیالاید و از روی کرامت

و عفت او را رها کرد» (عبدالمقصود، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۹).

عبدالرحمن بن ملجم، دشمن حضرت است؛ اما ایشان درباره او می‌فرماید: «ارید حیاته و یرید قتلی؛ من می‌خواهم او زنده بماند و سعادت‌مند گردد؛ اما او می‌خواهد مرا بکشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص. ۱۹۳).

زیست اخلاقی امام نرمن‌ناپذیری در مقابل گناه، مخصوصاً از نوع حق‌الناس است، حضرت می‌فرماید: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهَا صَاحِبُهُ»: سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک و ناچیز بشمارد (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۴۷۷).

۵-۳-۳. جمل و رویارویی توانگران با تنگدستان

در دوران خلفای پیشین مخصوصاً خلیفه دوم و سوم، حجم قابل توجهی از ثروت رانتهی در دست بزرگان جمع شد. زیر بن عوام ۵۹ میلیون و ۸۰۰ هزار درهم و ۱۰۰۰ نفر برده و ۱۱ منزل مسکونی و ۱۱۰۰ رأس اسب و باغاتی در عراق داشت و جزء ده‌نفری بود که وعده بهشت از رسول خاتم دریافت کرده بود. طلحة‌الخیر سی میلیون درهم و مقادیری خانه و باغ در عراق داشت. عبدالله بن مسعود، ۹۰ هزار مثقال طلا و زید بن ثابت انصاری ۱۰۰ هزار دینار و مقادیری طلا و شمش داشت. خباب بن ارت که از تنگدستان صغه بود، دارای چهل هزار دینار، مقدار بن اسود دارای خانه اعیانی، عمرو بن عاص دارای ۳۲۵ هزار دینار و عبدالله بن عوف دارای ۷۰۰ شتر با بار پارچه، ۳۰۰۰ گوسفند، ۱۰۰۰ رأس اسب و ۳۲۰ هزار درهم بود (جبری، ۱۳۸۴، صص. ۱۳۴-۱۱۰)؛ بنابراین ثروت انباشته از غنایم و غارت وضعیتی دشوار برای علی^(ع) ایجاد کرده بود. در جنگ جلولای سپاه اسلام بسیاری مردان را کشتند و زنان و کودکان بسیاری نیز به اسارت گرفتند؛ پس از چندین ماه که اسرا به مدینه رسیدند خلیفه زمان (عمر) دید زنان همه آبستن و حامله شده‌اند، علت را پرسید گفتند سربازان تمام زنان را متعه (صیغه) کرده بودند، سپس (عمر) مکرر می‌گفت که از فرزندان این زنان به خداوند پناه می‌برم و (گفت) زین پس دیگر این فعل (متعه) در ممالک اسلامی جایز نیست (دینوری، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۳).

هزینه جنگ جمل را استانداران عثمان که در دوران حکومت او بیت‌المال را غارت کرده و ثروت هنگفتی به دست آورده بودند، پرداختند و هدف این بود که دولت جوان امام علی^(ع) را سرنگون کنند و اوضاع به حال سابق بازگردد. اسامی برخی از این افراد

عبارت است از:

۱. عبدالله ابی‌ربیع، استاندار عثمان در صنعا یمن: او از صنعا به منظور کمک به عثمان خارج شد و چون در نیمه راه از قتل او آگاه شد، به مکه بازگشت. وقتی شنید که عایشه مردم را برای گرفتن انتقام خون عثمان دعوت می‌کند، وارد مسجد شد و درحالی که روی تخت نشسته بود فریاد زد: هر کس که بخواهد برای گرفتن انتقام خون خلیفه در این جهاد شرکت کند، من هزینه رفتن او را تأمین می‌کنم. او گروه بسیاری را برای شرکت در نبرد مجهز کرد.

۲. یعلی بن امیه، یکی از فرمانداران سپاه عثمان: او به پیروی از عبدالله، پول هنگفتی در این راه خرج کرد و شش صد شتر خرید (مهدوی دامغانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۷۲) و در بیرون مکه آماده حرکت ساخت و گروهی را بر آن حمل کرده و ده هزار دینار در این راه پرداخت. وقتی امام از بذل و بخشش یعلی آگاه شد فرمود: فرزند امیه ده هزار دینار را از کجا آورده است؟ جز این است که از بیت‌المال دزدیده است؟ به خدا سوگند، اگر به او و فرزند ابی‌ربیع دست یابم، ثروت آنان را مصادره می‌کنم و جزء بیت‌المال قرار می‌دهم (مهدوی دامغانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۲۳).

بنیاد اقتصاد رانتی و دولت رانتیر شکل گرفته در دوران خلفا مخصوصاً خلیفه سوم، بزرگ‌ترین عامل صلح‌زدا و ستیزه‌زای عصر خلافت حضرت بود. جنگ با این وضعیت را عمر خلیفه دوم آغاز کرد، او گفت تصمیم گرفته‌ام عطای هر شخص را ۴۰۰۰ درهم قرار دهم (۱۰۰۰ درهم هزینه خانواده، ۱۰۰۰ درهم هزینه تجهیز سلاح برای جهاد، ۱۰۰۰ درهم هزینه فرد، ۱۰۰۰ درهم برای بخشش)؛ اما امانش ندادند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۴۵۲). به تنگ‌آمدگان از عمر به عثمان قریشی ثروتمند رضایت دادند. مظاهر ثروت و خوش‌گذرانی در دوران خلیفه سوم به مرز انفجار رسید (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص. ۳۵۲) و کبوتربازی، شکار پرندگان و مستی در بین مردم شایع شد.

فتوحات این دوران تا مرز آفریقا و ماوراءالنهر رفت و حجم اموال سرازیر شده به مرکز به‌عنوان خراج حیرت‌آور است. غنایم گرفته شده به این شرح است: خزاین کسری: ۸۰۰ میلیون دینار، آفریقا: ۶۰ میلیون دینار و در زمان عثمان به برخی افراد از ۴۰۰ هزار تا چهار میلیون دینار بخشش شد. برای مثال، حکم‌بن‌العاص که آزار دهنده بدنام پیامبر (ص) بود ۱۰۰ هزار دینار دریافت کرد. ولید بن عقبه وام دریافتی از بیت‌المال را باز پس نداد.

چهار پنجم سواد زمین‌های عراق بین جنگجویان خاصه تقسیم شد (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۵)؛ به این ترتیب ثروت بسیار در دست اندک گروهی از صحابه و قریشیان، شکاف عظیم فقیر/ غنی را گسترش داد. حضرت در آغاز خلافت خویش با این وضعیت سیاسی- اجتماعی مواجه بود. توانگران به مقاومت در مقابل سیاست عدالت حضرت پرداختند. جنگ جمل، پیکار توانگران و تنگدستان دور حضرت علی^(ع) بود؛ اما آیا آن حضرت توانست صفوف تنگدستان را فشرده کند و بر قبیله توانگران غارتی در جمل و قبیله امویان در صفین بتازد؟ پس از جنگ جمل حضرت به بصره بازگشت و ۶۰۰ هزار درهم را بین سپاهیان تقسیم کرد (هر جنگجو ۵۰۰ درهم)؛ اما سبئیان (اهل یمن) منتقد امام بودند و بدون اجازه ایشان به سمت کوفه حرکت کردند. آن حضرت در هر دو جنگ در پی عدالت بود؛ اما تعریف عملیاتی یاران حضرت از عدالت در واقع «عطای افزون» بود. در واقع نقطه کانونی شکل‌گیری جنگ جمل، تضاد شدید منافع، شکاف عظیم فقیر/ غنی، شکل‌گیری پیمان‌های مبتنی بر تعصب قبیله‌ای و اشتراک منافع و پنهان شدن این وضعیت در پشت پرده عقیده بود و پرچم عقیده در این جنگ در اهتزاز بود. دوران خلفای پیشین، غنایم عظیم حاصل از جنگ‌ها، بین خودی‌ها و بستگان تقسیم می‌شد و این همان اقتصاد رانتیر و غارتی بود. رفتار مبتنی بر عصیت قبیله‌ای در دوران خلیفه سوم به اوج خود رسید که در شکل‌گیری افراط‌گرایی عقیدتی بسیار مؤثر بود. حضرت با این سه ویژگی ویرانگر در تقابل بود.

۳-۳-۶. صفین و روابرویی با عصیت قبیله

حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نبودیم تا به کتاب خدا پشت کنیم؛ در حالی که خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید، آن را به خدا و رسول بازگردانید». باز گرداندن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و باز گرداندن به پیامبر این است که سنت او را انتخاب کنیم. پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری شود، ما از دیگر مردمان به آن سزاوارتریم و اگر در برابر سنت پیامبر تسلیم باشند، ما بدان اولی و برتریم؛ اما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای حکمیت مدت تعیین کردی، من این کار را کردم تا نادان خطای خود بشناسد و دانا بر عقیده خود استوار ماند و اینکه در این

مدت، آشتی و صلح خدا کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد» (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۱۲۵).

آنچه در حکمیت روی داد، تابع عوامل مختلفی بود، از فقدان درک موقعیت قبایل همراه حضرت گرفته تا رقابت‌های قبیله‌ای اعراب قحطانی و اعراب عدنانی. بحران حکمیت دو مقطع حساس دارد: نخست پذیرش یا رد اصل حکمیت و دوم انتخاب حکم. در هر دو مرحله، قبایل همراه امام از نظریه صریح حضرت که طرف بیعت آنان در امر خلافت بود خودداری کردند. در مرحله نخست، خلیفه و فرمانده عالی جنگ نظری کاملاً متفاوت و حتی مخالف با پیروانی داشت که شوربختانه تعداد آن‌ها زیاد بود؛ اما حضرت در مقابل خواسته غیراستراتژیک آن‌ها مبنی بر مذاکره با دشمن شکست خورده انعطاف نشان داد. در مرحله دوم و در وضعیت مذاکره، نماینده مطلوب حضرت عبدالله بن عباس بود که از ویژگی‌های یک مذاکره‌کننده قوی با عمرو عاص برخوردار بود؛ اما مخالفان با این استدلال که عمرو بن عاص و عبدالله بن عباس هر دو از قریش و اعراب عدنانی هستند و منافع آن‌ها که از اعراب قحطانی هستند را تأمین نمی‌کنند، با او مخالفت کردند؛ اما بر اساس شهادت تاریخ، باز هم حضرت انعطاف نشان داده و با وجود حقانیت حکم خویش، آن را بر اکثریت مخالف تحمیل نکرد و حفظ خلافتی که از عطسه بز در پیشگاه وی بی‌ارزش‌تر بود را بر خویش واجب ندانست.

۷-۳-۳. صلح در سیاست‌های اجتماعی دوره خلافت

سیاست‌های اجتماعی خلافت ناظر بر سیاست‌گذاری و آیین حکمرانی امیرمؤمنان در حوزه داخلی خلافت و رعایای تحت حاکمیت است که چشمه‌هایی از آن باز نمود تاریخی می‌شود

یکم: آزادی خوارج تا مرز رویارویی

خوارج همان کسانی بودند که حکمیت را بر حضرت تحمیل کرده و سپس با شعار «لا حکم الا لله»، خصومت علیه حضرت را آغاز نمودند. آن‌ها برخلاف جنگجویان جمل که از جمله توانگران و برخورداران از غنایم بودند و جنگجویان صفین که با تعصب قبیله‌ای در پی خونخواهی عثمان بودند، با قرائتی انحرافی با پرچم عقیده علیه امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند. خصومت خوارج با تبلیغ و جنگ روانی آغاز شد. آنان به امیر مؤمنان اقتدا نمی‌کردند؛ زیرا او را کافر می‌پنداشتند. پیوسته در مسجد کوفه نماز حضرت و خطبه‌های او را برهم

می‌ریختند؛ اما آن حضرت آزادی آن‌ها و سهم آن‌ها از بیت‌المال را محدود نکرد. نهروانیان از نظر حضرت مادام که دست به شمشیر نبرده‌اند، آزاد بودند. روزی حضرت بر منبر بود و پرسشی را فی‌البداهه پاسخ داد. یک خارجی فریاد زد: «قاتله‌الله ما فقهه»: «خدا بکشد او را چقدر دانشمند است». دیگران قصد تنبیه او را داشتند که حضرت فرمود رهایش کنید، او به من تنها فحش داد (مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۳).

نهروانیان در میانه نماز یا خطبه امیر مؤمنان فریاد می‌زدند: «لا حکم الا لله، لا لک و لاصحابک»، حق حاکمیت جز برای خدا نیست تو را و اصحابت را نشاید که حکومت یا حکمیت کنید (مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۸). پاسخ حضرت فلسفه حکمرانی را برای همیشه تاریخ روشن نموده است. او می‌فرماید: «سخنی به حق است؛ اما آنان اراده باطلی دارند، درست است قانون‌گذاری از آن خداست؛ اما این‌ها می‌خواهند بگویند غیر خدا کسی نباید حکومت کند و امیر باشد. مردم احتیاج به حاکم دارند خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار. در پرتو حکومت او مؤمن کار خویش را انجام می‌دهد و کافر از زندگی دنیای خود بهره‌مند می‌گیرد و خداوند مدت را به پایان می‌رساند. به وسیله حکومت و در پرتو حکومت است که مالیات‌ها جمع‌آوری می‌گردد، با دشمن پیکار می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، حق ضعیف و ناتوان از قوی ستمکار گرفته می‌شود تا نیکوکار امان یابد و از شر بدکار آسایش به دست آید» (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۴۰).

دوم: اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا

امیرمؤمنان در نامه‌ای به کارگزاران خویش می‌فرماید: «همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید، هرگز کسی را از نیازمندی‌های او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب‌سواری و برده‌داری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی (نماز گذار یا غیرمسلمان در پناه اسلام) دست‌اندازی نکنید. جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شود (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۱).

اخلاق رهبری و آیین صلح‌ورزی در داخله جامعه اسلامی از دیدگاه امیر مؤمنان این‌گونه تصویر می‌شود: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان

باش، مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر در آفرینش همانند تو هستند. کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود دلیل او را نپذیرد که با خدا سر جنگ دارد (امام علی، ۱۳۷۰، نامه ۵۳).

۸-۳-۳. صلح در مواجهه با دشمن حکومت اسلامی

حضرت علی (ع) در سیره عملی خود - آن گونه که در اخبار شیعه آمده است - آشکارا بر صلح به مثابه اصل اولیه تأکید دارد: «مسالمت (صلح) را مادام که موجب وهن در اسلام نباشد، به رستگاری نزدیک‌تر و سودمندتر از جنگ یافتم (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۲). ایشان در دستورالعملی به مالک اشتر می‌فرماید: «صلحی را که خداوند تو و دشمنت را بدان فرا خوانده است و رضای خدا در آن است، از خود دور مکن؛ زیرا در صلح فواید مهمی چون حفظ قوای مسلح تو، آسایش فکر و فراغ بال تو و امنیت سرزمینت نهفته است. ولکن همواره از دشمنت بعد از صلح غفلت مکن؛ زیرا دشمن گاهی نزدیک می‌شود تا تو را غافلگیر نماید. پس بی‌نهایت محتاط باش و در عین پایبندی به صلح از حسن ظن و خوش‌بینی بیهوده در این باره اجتناب کن» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۲). حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد شد، یا در پناه خود او را امان دادی به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی، امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند در آن اتفاق نظر داشته باشند. تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند؛ چرا که آینده ناگوار پیمان‌شکنی را آزمودند. پس هرگز پیمان‌شکن نباش و در عهد خویش خیانت مکن و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد. خداوند عهد و پیمانی که به نام او شکل می‌گیرد را با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه‌آوردندگان قرار داده است تا همگان به حریم امن آن روی آورند. پس فساد، خیانت و فریب در پیمان راه ندارد. مبادا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغل‌کاری و فریب راه‌هایی وجود دارد؛ و پس از محکم‌کاری و دقت در قراردادنامه دست

از بهانه‌جویی بردار. مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده‌ات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان‌شکنی وادارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌ها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان‌شکنی است که از کیفر آن می‌ترسی و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخگوی پیمان‌شکنی باشی (امام علی، ۱۱۳۷۰، نامه ۵۳).

همچنین امام علی^(ع) به حاکم جامعه اسلامی توصیه می‌کند که در تثبیت صلح و تداوم آرامش بین مردم از هم‌نشینی و مشاوره عالمان و حکیمان بهره‌گیرد؛ زیرا صلح موجب احقاق حق و آشکارشدگی بطلان باطل می‌شود (امام علی، ۱۳۷۰، حکمت ۸۹).

از پیامبر^(ص) نقل شده است که هرگاه کسی میانجی صلح بین مردم یا حداقل بین دو نفر باشد، فرشتگان خداوند مدام بر او درود می‌فرستند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص. ۳۰۸). امام علی^(ع) در جای دیگری با تأکید می‌افزاید: «و اگر کسی شما را به صلح و سلام فراخواند، از او بپذیرید و صبر پیشه کنید؛ زیرا که نصرت و پیروزی از پیامدهای صبر است و زمین از آن خداست و به آن دسته از بندگان که بخواهد میراث می‌دهد و آینده جهان از آن مؤمنان است» در همین روایت توصیه شده است که هرگاه دشمنی با شما رود و درو شد، در آغاز جنگ پیش‌قدم نباشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص. ۳۲).

تلاش برای صلح در اندیشه اسلامی نه تنها وظیفه‌ای دینی است و از نظر ایمانی ثواب دارد، بلکه منابع شیعی به آثار وضعی آن نیز توجه نشان داده و بحث از صلح‌جویی بین متخاصمان را با واژه «استصلاح» طرح کرده‌اند. برخی احادیث نبوی بین اخلاق و صلح رابطه مستقیمی برقرار کرده‌اند. به عنوان مثال، در حدیثی از پیامبر^(ص) تأکید شده است: «استصلاح (صلح‌جویی) از مروت و مردانگی است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص. ۲۹۸). منابع روایی شیعه در بابی با عنوان «استصلاح الأعداء» روایات جالبی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در دیدگاه حضرت، صلح‌جویی با دشمنان با گفتار نیکو و کردار زیبا آسان‌تر از ملاقات آنان و تلاش در غلبه بر یکدیگر در معرکه جنگ است. آن حضرت می‌فرماید: «کسی که به صلح‌جویی با دشمنش اقدام کند، یارانش زیاد می‌شود». «کسی که بین اضعاد (مخالفین) صلح‌جویی کند، البته به مراد خود خواهد رسید» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص. ۳۹۵).

این روایات، همه به اهمیت صلح‌جویی و تلاش برای تحقق صلح توصیه دارند. متن و سیاق روایات به گونه‌ای است که مقدمات رفتاری و گفتاری مهمی برای کسب و حفظ

صلح منظور کرده است. در سخن حضرت آشکارا بر «گفتار نیکو» و «کردار زیبا» به عنوان مقدمه و شرط تحقق صلح اشاره شده است؛ به این ترتیب، صلح نه امری صرفاً دلخواه، بلکه نتیجه اخلاق صلح است؛ به عبارت دیگر، اخلاق نیکو در برخورد با دیگران، نیروی برگرفته از افکار عمومی نیرومندی دارد که موجب حمایت افکار عمومی از صاحبان فضایل اخلاقی و غلبه آنان بر دشمن می شود.

۹-۳-۳. تحریم غدر و عهدشکنی

منع غدر، عهدشکنی و نقض پیمان‌ها در استراتژی دفاعی حضرت حاکم بوده است. در مجمع‌البحرین «غدر» به معنای «ترک وفا و نقض عهد و پیمان» تعریف شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ص. ۷۸). به تعبیر صاحب جواهر، عدم جواز غدر در فقه شیعه مخالفی ندارد؛ زیرا هم نصوص روایی بر آن دلالت دارند، قبح ذاتی دارد و موجب نفرت مردم از اسلام می شود (نجفی، ۱۳۶۷، ص. ۷۸). استاد فقیهان شیعه به آیات و روایات ذیل است:

روزی امام در بالای منبر کوفه فرمودند: ای مردم، اگر ممنوعیت فریب کاری و عهدشکنی نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم، بدانید که هر عهدشکنی فجوری دارد و هر فجوری منجر به کفر می شود و برای هر فریب کار پرچمی است که در روز قیامت به آن شناخته شود (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۱۹۱). تعالیم دینی در برابر تأکید بر اصالت صلح و ضرورت اصلاح، بر نفی فساد در زمین هم اصرار می کند. قرآن فساد قارون در زمین را ناشی از خوی زیاده‌خواهی معرفی می کند و آشکارا از فساد در زمین نهی می کند و مفسدان را دوستان خداوند نمی داند (قصص: ۷۷). از رزق و منابع خدا بهره برید و در زمین عصیان و فساد نکنید (بقره: ۶۰). آسمان و زمین را به باطل نیافریدیم. آیا مؤمنان و مصلحان را با آنان که در زمین فساد می کنند مساوی قرار می دهیم؟ آیا پرهیزگاران همانند فاجرانند؟ (بقره: ۱۱). آموزه‌های اسلامی تحلیلی اخلاقی از فساد در زمین دارند. به تعبیر امام صادق (ع) فساد در زمین که «فساد ظاهر» است، خود نشانه‌ای از «فساد باطن» است (نمازی، ۱۴۱۹، ص. ۱۹۵).

۱۰-۳-۳. صلح بین مسلمانان

عهدنامه صلح بین اهالی یمن و قبیله ربیعه سندی محکم در تبیین مبانی صلح در سیره عملی امیر مؤمنان (ع) است که از روی خط هشام بن الكلبی نقل شده است. «این پیمان‌نامه‌ای است

که اهل یمن و مردم ربیع، چه آن‌ها که شهرنشین‌اند و چه آن‌ها که بیابان‌نشین‌اند، بر آن توافق کرده‌اند که از کتاب خدا پیروی کنند و مردم را به آن فراخوانند و از مردم بخواهند که آن را بپذیرند؛ و هر کس را که به کتاب خدا دعوت کند و بدان فرمان دهد، اجابت کنند و در برابر این کار مزدی نطلبند و جز به آن به کار دیگر خرسند نشوند و بر ضد کسی که این پیمان بشکند یا آن را ترک گوید، دست‌به‌دست هم دهند؛ و یار و مددکار یکدیگر باشند و سخنشان یکی شود و عهد خود را به سبب سرزنش یا خشم این و آن یا به سبب خوار ساختن و دشنام دادن گروهی گروه دیگر را، نشکنند؛ و بر آن گواه است، آنکه از ایشان حاضر است یا غایب است و هر که سفیه است یا دانا است و هر که بردبار است و هر که نادان است. عهد و پیمان خدا در این عهدنامه بر عهده شماس است و از پیمان خدا سؤال خواهند کرد. نوشت آن را علی بن ابی طالب (امام علی، ۱۳۷۰، خطبه ۷۴).

۴. تجزیه و تحلیل پژوهش

تجزیه و تحلیل محیط پژوهش بر اساس تبیین اصالت صلح در سیره اجتماعی - سیاسی حضرت و مبتنی بر سند تاریخی نهج البلاغه نگارش شده است. تحقیقاً وضعیت زیستی آن حضرت از بدو تولد آمیخته با ناامنی اجتماعی و بحران بوده است. بر اساس خطبه امام بعثت پیامبر^(ص) پاسخی به این بحران عمیق و دامن‌گیر منطقه عراق و عربستان بوده است. عراق در دوران مابعد ایشان نیز در خونریزی و ناامنی بوده است. دارالخلافه کوفه همان مشهد حضرت از سال ۶۳ به بعد، شاهد شهادت امام حسین^(ع) و حاکمان عراق به ترتیب عبیدالله بن زیاد، مختار ثقفی، عبدالله بن زبیر نیز به قتل رسیدند؛ به این ترتیب، محیط کنش اجتماعی حضرت اساساً امن نبود. اصالت صلح در سیره اجتماعی و سیاسی امام اول شیعیان از این جهت واجد اهمیت پژوهشی است؛ بنابراین محقق مبتنی بر سه وضعیت «جنگ، صلح در مواجهه با مخالفان و صلح در مواجهه با دشمنان» گزاره‌های معتبر را استخراج می‌کند. انعطاف‌ناپذیری در مقابل گناه زنجیره اتصال رفتار و سیره سیاسی امام در سه وضعیت ایجاد شده است؛ زیرا مطابق سیره آن حضرت «سخت‌ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک و ناچیز بشمارد».

جدول شماره ۳. ابعاد صلح اصیل در سیره اجتماعی و سیاسی حضرت علی (ع)

گزاره استخراجی	ابعاد	
به حق بودن دلیل بر جواز دشنام نمی شود.	منع دشنام به دشمن	جنگ
مطلق ترور در سیره حضرت تحریم است.	تحریم ترور	
و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی گرداند.	پرهیز از خونریزی ناحق	
حضرت در میدان جنگ و وضعیت خطر مطلق جانی شمشیر از خشم نمی کشد.	زیست اخلاقی در وضعیت بحران	
حضرت به رغم حقانیت و بصیرت مردم گمراه شده را اجبار به پذیرش رأی خویش نمی کند.	صفین و پذیرش حکمیت	
در سیره نظامی حضرت به غیرنظامیان تعرض نمی شود.	منع تعرض به غیرنظامیان	
در سیره نظامی حضرت به دانشمندان تعرض نمی شود.	منع تعرض به دانشمندان	
در سیره نظامی حضرت آب به روی دشمن بسته نمی شود.	منع آب بستن بر دشمن	
در سیره نظامی حضرت به محیطزیست تعرض نمی شود.	منع تعرض به محیطزیست	
در سیره نظامی حضرت به حریم رعایا در مسیر عبور سپاهیان دستبرد نمی زنند.	منع از نوشیدن آب بدون اجازه مالک	

گزاره استخراجی	ابعاد	
مرز آزادی مخالف در سیره سیاسی حضرت آنجاست که دست به سلاح ببرد.	آزادی نهر و انیان تا مرز رویارویی	صلح در مواجهه با مخالفان
با برادرت گشاده‌رو باش و او را آزار نرسان تا از آزار تو در دنیا و آخرت مانع شود.	اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا	
کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود.	صلح حکومت با مردم	
مردم احتیاج به حاکم دارند، خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار	نگاه واقع‌بینانه به آیین حکمرانی	
هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به‌عمد نیست.	تحریم غدیر و عهدشکنی	صلح در مواجهه با دشمنان
حفظ قوای مسلح تو، آسایش فکر و فراخ‌بال، امنیت سرزمین، افزایش یاران کسی که به صلح‌جویی با دشمنش اقدام کند.	فواید صلح	
وضعیت مطلوب در جامعه مسلمانان صلح اصیل است.	صلح مابین مسلمین	
-	منع از مقابله به‌مثل با دشمن فحاش	
خدا با خون آنان و ما را حفظ فرما و بین آنان و ما صلح برقرار فرما	صلح اصیل	

نکته مهم، عقلانی بودن و اخلاقی بودن جمیع سیره سیاسی و اجتماعی مولای متقیان است. اخلاق صلح، ویژگی برجسته حضرت است. ناخودآگاه جمعی، اساس ناخودآگاه سیاسی است و منجر به رفتارهای جمعی می‌شود و ناخودآگاه جمعی اعراب در عصر خلافت حضرت بر اساس ستیز و خشونت شکل یافته بود. صف‌آرایی زود هنگام و بی‌وقفه جامعه عصر خلافت آن امام در مقابل خلفای وقت در این چهارچوب قابل تحلیل است. با ورود عنصر ایمان و عقیده این پدیده برآمده از ناخودآگاه سیاسی جمعی وجه ایدئولوژیک می‌یافت و ساختار بر رفتار سیاسی مسلط می‌شد و این ساختارها خود را تحمیل می‌کردند.

ناخودآگاه سیاسی جامعه عصر خلافت حضرت بر اساس روابط مادی گروهی قرار داشت و فشار غیرقابل مقاومتی را بر جامعه و حکومت وارد می نمود. تضاد منافع اعراب عدنانی (قریش) و اعراب قحطانی (جنوب عربستان و یمن) نقش مؤثری در ترجیح ابوموسی (عرب قحطانی) بر عبدالله بن عباس (عرب عدنانی و قریشی) داشت. تعصب گروهی نیز در ناخودآگاه جمعی اعراب نهادینه بود که در پشت پرده عقیده پنهان می شد و در قالب تحریم جنگ علیه برادر مسلمان در حکمیت بروز می کرد. کسب غنائم و روحیه غارت گری نیز به همین ترتیب در مخیله اجتماعی اعراب بادیه نهادینه بود؛ اما با اختفای در پشت پرده، عقیده در جنگ ها بروز می کرد و اساساً انگیزه بخش وقوع جنگ ها بود. عصیت قبیله ای، منش غارت گری و بهره گیری از عقیده کلیدهای تحلیل جنگ های رخ داده علیه امام در دوران خلافت است. به نظر می رسد کنش اجتماعی صلح محور آن حضرت در این وضعیت سراسر ستیزه آمیز، در ویژگی شخصیتی این کنشگر برجسته و تأثیرگذار صدر اسلام ریشه دارد. او در کنش صلح طلبانه خویش تنها بود و یاران همراه و همسو در این سیره کم تعداد و کم شمار بودند؛ بنابراین صلح اصیل در سیره سیاسی حضرت از اصالتی فردی برخوردار است و نه اصالتی اجتماعی؛ به این ترتیب، «توحید» و «عدل» و «امر به معروف و نهی از منکر» ایشان با نگاه مسلمانان هم عصرش کاملاً متفاوت است. چتر توحید ایشان وسیع و فراگیر است و مسلمان و اهل کتاب حوزه حکمرانی وی را پوشش می دهد؛ از این رو، از سرقت خلخال پای زن یهودی در حوزه خلافت خویش فریاد سر می دهد. عدل حضرت نیز کاملاً متفاوت است و در شرایط استیلای گفتمان قبیله و عقیده مصادره شده او از برابری خلیفه مسلمین و یک یهودی در دادگاه اسلامی عملاً دفاع می کند.

امام صلح طلب شیعیان هرگز در حوزه خلافت خویش اجازه بنای زندان را نداد. به همین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر آن امام برخاسته از نگاهی اصیل و متفاوت بود که شامل النصیحة لائمة المسلمین می شود. آخرین کنش صلح آمیز امام مدارا با قاتل خویش بود و هیچ محرومیتی بر قاتل در مدت بازداشت موقت اعمال نشد؛ بنابراین پدیده صلح در سیره اجتماعی و سیاسی حضرت صلحی اصیل است.

نتیجه گیری

این پژوهش به تبیین اصالت صلح در سیه سیاسی - اجتماعی ایشان پرداخت. صلح اصیل در سیره اجتماعی - سیاسی حضرت مهم ترین نتیجه پژوهش حاضر است. محقق به تبیین ابعاد صلح اصیل در حوض بحرانی اخلاقی در عصر خلافت ایشان پرداخت. روش تحقیق تاریخی با رویکرد ساختار/کارگزار بود. یعنی نویسنده ضمن ابتدا بر مبانی عقلانی و پرهیز از اسطوره گرایی در تحلیل، بر ویژگی های شخصیتی حضرت در مواجهه با ساختار اجتماعی فرهنگی شکل یافته پرداخت. به این ترتیب که نوعی منازعه بین ساختار و کارگزار در عصر حیات سیاسی و اجتماعی حضرت شکل گرفت. ساختار اجتماعی و فرهنگی و سیاسی موجود، متأثر از عناصر قبیله/غنیمت/عقیده/برده گیری بود که در مقابل اصلاحات مدنظر ایشان به عنوان کارگزار دوران خویش مقاومت می نمود.

وضعیت سیاسی - اجتماعی بحرانی منطقه عربستان و عراق اولین مشکل حضرت بود. غارت، ترور، برده گیری و عصبیت قبیله ای از جمله آسیب های عصر حیات سیاسی امام اول شیعیان بود. تحریم مطلق ترور، پرهیز از خونریزی ناحق، منع از دشنام به دشمن، کردار اخلاقی در وضعیت بحرانی و انعطاف حیرت انگیز در مقابل حکمیت خواهی یاران نا همراه از جمله کردارهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی حضرت در این دوران است. همچنین ایشان در پروسه صلح خواهی خویش در این وضعیت سراسر جنگ و ناامنی هرگز آزادی خوارج را تا مرز خروج با شمشیر بر دولت حاکم، سلب نکرد. این درجه از اعطای آزادی به مخالف در تاریخ دولت بشری بی نظیر است. این امام همام هرگز زندانی دایر نکرد. اخلاق اجتماعی کارگزاران با رعایا مبتنی بر قاعده عدالت و انصاف بود و امنیت و صلح برای همه انسان ها اعم از مسلمان و غیر مسلمان یکسان بود.

در مواجهه با دشمن مسلح و خارجی علیه دولت اسلامی اولین تلاش امیرالمؤمنین ایجاد صلح و جلوگیری از خونریزی بود. او اگر پیمان می بست هرگز غدر و عهدشکنی در پیمان صلح وی نبود. حضرت بر صلح بین مسلمین تأکید داشت و پیمان نامه صلح بین قبایل یمن از جمله اسناد مهم مورد اشاره در نهج البلاغه است.

منابع

- ابن براج، عبدالعزيز (۱۳۵۲). شرح جمل العلم و العمل. به کوشش کاظم مدیرشانه‌چی، مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.
- امام سجاد (۱۳۸۹). صحیفه سجادیه. ترجمه حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
- امام علی (۱۳۷۰). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح، قم: نشر هجرت.
- ایمانپور، محمدتقی و فرخی، فاطمه (۱۳۸۹). برخورد اعراب با زنان ایرانی ۱۳ تا ۱۳۲ هجری. نامه ایران باستان، ۱۹ و ۲۰، ۶۵-۷۶. www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1356619
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۶۵). الحدائق الناضره. تحقیق محمدتقی الایروانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- برزونی، محمدعلی (۱۳۸۴). اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟ حقوقی بین‌المللی، ۳۳، ۷۳-۱۵۷. <https://ensani.ir/fa/article/123845>
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). أنساب الاشراف. تحقیق سهیل زکار، بیروت: انتشارات دارالفکر.
- جابری، محمد عابد (۱۳۸۴). عقل سیاسی در اسلام. ترجمه عبدالرضا سواری، تهران: انتشارات گام نو.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۴۰۲). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۹۶). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر نگاه.
- روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۳). فقه الصادق. قم: دارالکتاب.
- رنان، ارنست، فوستل، دوکولانژ، ورنر، روف و پیر، رنوو (۱۳۹۶). ملت، حس ملی، ناسیونالیسم. ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- عبدالمقصود، عبدالفتاح (۱۳۹۵). امام علی بن ابی‌طالب. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فیرحی، داود (۱۳۸۳). دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت‌طلبانه در مذهب شیعه. مجله شیعه‌شناسی، ۶، ۱۰۹-۱۳۶. www.noormags.ir/view/fa/articlepage/119151

- قاسمی، ابراهیم (۱۳۹۹). نظریه اصالت جنگ یا صلح از دیدگاه اباضیه. پژوهش‌های فقهی، ۳، ۴۲۹-۴۴۶. <https://ensani.ir/fa/article/424506>
- لین کارل، تری (۱۳۹۸)؛ معمای فراوانی. ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). جاذبه و دافعه علی (ع). قم: انتشارات صدرا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمه. قم: بوستان کتاب.
- مولوی، جلال الدین محمدبن محمد (۱۳۸۶). مثنوی معنوی. تهران: نشر کاروان.
- مهدوی دامغانی، محمود (۱۴۰۳). نبرد جمل. تهران: نشر نی.
- نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۷). جواهرالکلام. تحقیق عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹). مستدرک سفینه البحار. تحقیق حسن نمازی، قم: مؤسسه الاسلامی لجماعة المدرسين.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل. بیروت: داراحیاء التراث.